

تحلیل جغرافیایی الگوها و روش‌های حل و فصل دعاوی در روستاهای منطقه سیستان

تاریخ پذیرش: ۹۳/۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۱/۲۳

غریب فاضل نیا^۱، داوود سیفی قره یقاق^۲، راحله پودینه پیر^۳

از صفحه ۱۲۵ تا ۱۵۸

چکیده

زمینه و هدف: بررسی‌ها نشان می‌دهد در جوامع مختلف همواره الگوها و روش‌های متفاوتی جهت حل و فصل دعاوی بین مردم مرسوم بوده است. مثلاً در جوامع اولیه که نظام قبیله ای حاکم بود، حل و فصل دعاوی و اختلافات توسط بزرگان و ریش سفیدان قبیله انجام می‌شد. در این شکل، عامه مردم با اعتماد و اطمینان در مقام صلح جویی و مسالمت، دعاوی خود را برای داوری نزد آنان می‌بردند که این رویه خود باعث انسجام و همبستگی جامعه نیز می‌شده است و جامعه را از بروز اختلافات حفظ می‌کرد. بر این اساس، مقاله حاضر درصدد است با رویکرد تحلیل جغرافیایی، الگوها و روش‌های حل و فصل دعاوی در روستاهای منطقه سیستان را مورد مطالعه قرار دهد. **روش شناسی:** روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی است. در این تحقیق به منظور گردآوری داده‌ها و اطلاعات از روش کتابخانه‌ای، اسنادی و میدانی استفاده شده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات از تحلیل‌ها و نرم افزارهای آماری و نیز سیستم اطلاعات جغرافیایی استفاده شده است. **یافته‌ها:** یافته‌های تحقیق حکایت از آن دارد که اولاً از دیدگاه روستاییان روش‌های حل و فصل دعاوی برون دادگاهی کارآمدتر از روش‌های درون دادگاهی است و نیز هر چه فاصله روستا از شهر کمتر باشد میزان مراجعه مردم به دادگاه و شوراهای حل اختلاف در شهرها بیشتر است. **نتیجه‌گیری:** در واقع ساکنین سکونتگاه‌های روستایی که در فاصله بالاتر از ۲۵ کیلومتری از شهرها قرار دارند، با توجه به بعد مسافت، تمایل به روش برون دادگاهی بیشتری دارند. با توجه به نتایج تحقیق ضروری است در قالب یک طرح و برنامه ریزی مشخص در راستای اعتماد سازی، تمایل و گرایش بیشتر روستاییان به روش برون دادگاهی گام‌های اساسی برداشته شود.

واژه‌های کلیدی: تحلیل جغرافیایی، روش‌های حل و فصل دعاوی، سکونتگاه‌های روستایی، روستاهای منطقه سیستان.

۱. دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زابل، زابل، ایران Fazelniya@uoz.ac.ir

۲. عضو هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه زابل، زابل، ایران davoodseify@uoz.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زابل، زابل، ایران (نویسنده مسئول)
rahelepoudineh@yahoo.com

بررسی‌ها نشان می‌دهد که از دیرباز دعوا و اختلاف در جوامع بشری وجود داشته است و برای حل آنها نیز روش‌ها و راه‌حل‌هایی موجود بوده که در هر عصر و زمانی تغییر و تکامل یافته است. افزایش جمعیت در کنار رشد شهرنشینی و مسائل خاص آن، تحول سریع علوم و فنون و ورود صنایع و تولیدات جدید، نهضت خصوصی‌سازی و جهانی شدن و گسترش بازرگانی‌های داخلی و خارجی از جمله عوامل مهمی بوده است که اختلافات را بیشتر و در عین حال پیچیده‌تر از قبل گردانیده است. پدیده‌ای که دامنه و وسعت آن هم‌چنان رو به فزونی است. با افزایش اختلافات حل و فصل آنها از طریق نظام قضایی دولتی یعنی از طریق دادگاه‌های دولتی و توسط قضات منتخب دولت، گذشته از این که هزینه زیادی را بر دولت‌ها تحمیل می‌کند، منجر به تراکم کار و انباشته شدن پرونده‌ها در دادگاه‌های دادگستری می‌گردد و این امر به دلیل تبعاتی همچون کندی جریان حل و فصل اختلافات و پایین آمدن کیفیت رسیدگی و آراء و در نتیجه عدم اجرای صحیح و سریع عدالت نارضایتی اصحاب دعوا را به دنبال خواهد داشت. هم‌چنین خود طرفین اختلاف نیز غالباً به دلیل ماهیت خاص روابط و اختلافات تمایل چندانی به مراجعه به دادگاه‌های دولتی جهت حل و فصل اختلافات خود ندارند، چرا که می‌خواهند اختلاف خود را سریع‌تر و حتی المقدور با هزینه کمتر و توسط اشخاصی که نسبت به موضوع مورد اختلاف تخصص و اشراف دارند و حتی المقدور به طور محرمانه، خصوصی و غیرعلنی حل و فصل نمایند (هویوتی،^۱ ۲۰۰۲: ۳۸۵).

گاه نیز روابط کاری و ارتباطات آینده طرفین ایجاب می‌کند که اختلافات طرفین در یک محیط دوستانه و توأم با همکاری و تفاهم حل و فصل شود (همانند اختلافات بین همسایه‌ها، زوجین، کارگر و کارفرما و خصوصاً اختلافات بین تجار). در نقطه مقابل حل این گونه اختلافات در دادگاه‌ها به روابط کاری و آتی طرفین لطمه وارد می‌سازد و طرفین را در حالت درگیری و نزاع باقی می‌گذارد. در این میان یکی از

شیوه های مهم غیرقضایی حل و فصل اختلاف «میانجیگری» است که پیشینه طولانی در حل و فصل اختلافات دارد (استیچین^۱، ۱۹۹۹: ۳۳۴؛ میستیلیس^۲، ۲۰۰۱: ۱۶۸). از آنجا که روستاها و شهرها به عنوان اجزای تشکیل دهنده یک سیستم در قلمرو فضای جغرافیایی خاص قلمداد می شوند، لذا همواره بین آنها مناسبات گوناگونی در ابعاد مادی و فرهنگی - اجتماعی وجود داشته و دارد؛ که این جریانات با دو ماهیت اثرگذار و اثرپذیر تحولات سکونتی شهر و روستا را هدایت می کنند (شاریه، ۱۳۷۳: ۲۳۵). در واقع این روابط و پیوندها به واسطه مجموعه‌ای از جریان های افراد، فناوری، سرمایه و اطلاعات مشخص می گردند که هرکدام از این جریانات دارای جنبه‌ها و اثرگذاری های مضاعفی هستند که به صورت روابط متفاوت مکانی - فضایی و زمانی در عرصه های شهر و روستا بروز می یابند (سعیدی، ۱۳۸۲: ۷۱). بنا به دلایلی که مهم ترین آن، تراکم موجود در دادگاه‌های دولتی و کندی و گرانی رسیدگی‌های قضایی است در کنار داوری شیوه های جدیدی در نظام حل و فصل اختلافات داخلی و بین‌المللی پدیدار شده است. مشخصه اصلی این شیوه ها، حاکمیت اداره طرفین بر جریان رسیدگی و حل اختلاف است. به گونه ای که در آنها رای الزام آور صادر نمی‌شود و اختلافات به صورت دوستانه و با توافق طرفین اختلاف حل و فصل می‌شود. میانجیگری یک شیوه مناسب و مؤثر جهت حل و فصل اختلافات است. حل و فصل اختلافات از طریق میانجیگری و نیز سایر شیوه های جایگزین حل و فصل اختلافات به کاهش اختلافات در دادگاه‌ها منجر می‌شود و بدین ترتیب دعاوی مطرح در دادگاه‌ها با سرعت بیشتر و کیفیت بهتری رسیدگی و حل و فصل می‌شوند. میانجیگری یکی از شیوه های جایگزین حل و فصل اختلاف است که به صورت غیرتدافعی و بر مبنای توافق طرفین، اختلاف را حل و فصل می‌کند و رسیدگی و روند حل اختلاف مطابق با اراده و خواست طرفین جریان می‌یابد. تجربه و مهارت میانجی و آشنایی وی با موضوع مورد اختلاف و تمایل طرفین به حل و فصل دوستانه اختلاف مهمترین عوامل موفقیت میانجیگری است.

1 - Stychin

2 - Mistelis

استفاده از میانجیگری برای طرفین اختلاف مزایای زیادی را در بر دارد که از جمله حل و فصل سریع تر و ارزان تر اختلاف، خصوصی و محرمانه بودن جریان رسیدگی و حل اختلاف، حاکمیت اصل اراده طرفین و دوستانه بودن روند رسیدگی و حل اختلاف قابل ذکر است. مع الوصف، به منظور کاستن از تراکم کار دادگاه‌ها و حل و فصل اختلافات از طریق میانجیگری لازم است اقدامات مناسب جهت ترویج و شناسایی بیشتر این شیوه صورت گیرد. از جمله اقدامات مهم در این خصوص، ایجاد بستر مناسب جهت فعالیت موسسات داوری و سایر موسسات فعال در حل اختلاف که حل و فصل اختلافات از طریق میانجی‌گری و سازش و نیز ترویج این شیوه‌های حل اختلاف و تهیه و انتشار قواعد میانجی‌گری و معرفی میانجی‌های واجد صلاحیت و اقدام به میانجی‌گری در موارد لازم، جزو فعالیت‌های آنها باشد قابل ذکر است. در تحلیل فضایی - مکانی روش‌های حل و فصل دعاوی در مناطق روستایی منطقه سیستان همیشه و همواره بررسی آسیب‌ها، علل و راهکارهای کاهش مشکلات از اولویت‌های مهمی است که مدنظر قرار می‌گیرد. در واقع باید گفت آسیب‌شناسی وضعیت موجود و ارائه راهکارها یکی از بخش‌های مهمی است که در تدوین برنامه‌های استراتژیک توسعه مورد توجه است. بنابراین لازم است که در بین روش‌های مختلف حل و فصل دعاوی هر کدام که روستائیان استقبال بیشتری می‌کنند بررسی کرده تا بتوان الگویی جهت تدوین برنامه صحیح و متناسب باشند. با توجه به مسایل و مشکلات مطرح شده و رسیدن به اهداف تحقیق سوالات تحقیق به شرح زیر صورتبندی شده‌اند:

روستائیان منطقه مورد مطالعه در حل و فصل دعاوی خود بیشتر از کدام یک از الگوها و روش‌های حل و فصل دعاوی استفاده می‌کنند؟

گزینه‌ها هر یک از الگوها و روش‌های حل و فصل دعاوی توسط روستائیان منطقه مورد مطالعه چه رابطه‌ای با ویژگی‌های مکانی - فضایی روستاهای محل سکونت ایشان دارد؟

مبانی نظری

تعاریف و مفاهیم

در راستای تبیین چارچوب نظری تحقیق و نیز به منظور بیان رساتر برخی از واژه‌ها و مفاهیمی که در خلال این مطالعه به کار گرفته شده و یا به نحوی جزء مفاهیم و واژه‌های هم راستا با هدف تحقیق حاضر می‌باشد، در ابتدا به طور اجمال این واژه‌ها تعریف، تبیین و تعریف عملیاتی می‌شوند.

میانجیگری، میانجیگری قضایی و میانجیگری غیرقضایی

در میان اقسام شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف، میانجیگری پس از داوری، مهمترین و پرکاربردترین شیوه حل اختلاف است و از آن به عنوان روشی که در مرکز ثقل شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف قرار دارد یاد شده است (ماریوت^۱، ۲۰۰۵: ۴۵۰). با بررسی متون ذیربط مشخص می‌شود که تعاریف مختلفی از میانجیگری شده است که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌گردد.

طبق یک تعریف میانجیگری آمده است: «میانجیگری روشی است که به وسیله آن طرفین اختلاف به کمک شخص ثالث به دنبال رسیدن به توافق مشترک هستند» (حیسیس^۲، ۲۰۰۵: ۷۰). به نظر می‌رسد، تعریف فوق کلی است و بسیاری از شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف را در بر می‌گیرد. بنابر تعریف دیگر میانجیگری چنین تعریف شده است: میانجیگری عبارتست است «مداخله یک شخص ثالث مورد قبول (بی طرف) که اختیاری برای صدور رأی ندارد و به طرفین درگیر در اختلاف برای اینکه به طور اختیاری به حل و فصل دو جانبه قابل قبول راجع به موضوعات مورد اختلاف دست یابند کمک می‌کند» (برگر^۳، ۲۰۰۲: ۱۲۰). همچنین بعضی از نویسندگان میانجیگری را به عنوان فرایندی تعریف می‌کنند که از طریق آن یک شخص ثالث بی طرف یعنی میانجی، مذاکرات میان طرفین را به منظور کمک به آنها در رسیدن به حل و فصل اختلاف تسهیل می‌کند. هدف پروسه

1 - Marriott

2 - Hess

3 - Berger

میانجیگری آن است که سریع ارزان و محرمانه باشد(تویدال^۱، ۲۰۰۵: ۶). همسو با همین تعریف در تعریفی دیگر، میانجیگری به عنوان روش غیرالزام آوری توصیف شده است که در آن شخص ثالث بی طرف به طرفین اختلاف جهت رسیدن به حل و فصل مورد توافق در خصوص اختلاف مساعدت می کند و بنابراین میانجیگری به عنوان هنر جمع کردن طرفین اختلاف جهت حل و فصل اختلاف تلفی می شود(موتیوال^۲، ۱۹۹۸: ۱۱۸).

در عین حال یکی دیگر از نویسندگان در تعریف میانجیگری بر الزام آور نبودن نظر میانجی تأکید می کند. طبق این تعریف «میانجیگری جریانی است که به موجب آن میانجی که شخص ثالث بی طرف است با طرفین برای حل اختلافاتشان از طریق (انعقاد) موافقتنامه کار می کند به جای این که راه حلی را به آنها تحمیل کند» (میستیلیس^۳، ۲۰۰۱: ۲۰۵). سرانجام طبق تعریف دیگر، «میانجیگری روشی است که در آن یک ثالث بی طرف (میانجی) به طرفین اختلاف در حصول «حل و فصل خوشایند دوجانبه» کمک می کند. هدف میانجی ها تسهیل مبادله اطلاعات، تحریک تفاهم میان طرفین و تشویق ارائه راه حل های مؤثر و سازنده است»(کواچ^۴، ۲۰۰۵: ۳۰۴). با توجه به آنچه گفته شد می توان گفت میانجیگری روشی است که در آن شخص ثالث به طرفین اختلاف کمک می کند تا از طریق مذاکره و گفتگو و سنجش راه حل های مختلف، اختلاف را به طور دوستانه و بر مبنای توافق حل و فصل کنند. مزایای میانجیگری در مقایسه با داوری و روش قضایی حل و فصل اختلافات و به ویژه مزایایی از قبیل کم هزینه تر بودن، انعطاف پذیری بیشتر، خصوصی و محرمانه بودن، حل و فصل اختلاف با توافق طرفین و امکان حفظ روابط آنها سبب شده است(جامس^۵، ۱۹۹۷: ۱۵) که در میان شیوه های مختلف غیرقضایی حل و فصل اختلاف میانجیگری بیشترین رشد را دارا باشد، تحقیقات صورت گرفته نیز میزان بالای موفقیت میانجیگری را در حل و فصل اختلافات نشان می دهد که همین امر

1 - Tweeddale
2 - Motiwal
3 - Mistellis
4 - Kovach
5 - James

نیز موجب شده است که میانجیگری به عنوان یک روش موفق و مؤثر در حل و فصل اختلافات نگریده شود (برگر^۱، ۲۰۰۲: ۲۸۱).

تقسیم میانجیگری به میانجیگری قضایی و غیرقضایی بر مبنای نحوه ارجاع اختلاف به میانجیگری صورت می‌گیرد. چنانچه طرفین خود توافق کنند که اختلاف را از طریق میانجیگری حل و فصل کنند با میانجیگری غیرقضایی یعنی میانجیگری خارج از دادگاه یا میانجیگری به موجب موافقتنامه مواجه هستیم. میانجیگری قضایی ناظر بر حالتی است که پس از طرح اختلاف در دادگاه و در اثنای رسیدگی به دعوا، قاضی اختلاف طرفین را به میانجیگری ارجاع کند. این روش بدان معنی است که رسیدگی به دعوا در دادگاه تا مشخص شدن نتیجه میانجیگری معلق می‌ماند و چنانچه تلاش میانجی جهت حل اختلاف مثمرتر نباشد، رسیدگی به دعوا در دادگاه از سر گرفته خواهد شد. ارجاع اختلاف به میانجیگری توسط دادگاه می‌تواند به پیشنهاد طرفین و یا به ابتکار خود قاضی صورت گیرد (تارزیا^۲، ۲۰۰۵: ۲۲). با توجه به اینکه ارجاع اختلاف به میانجیگری اصولاً با توافق طرفین صورت می‌گیرد میانجیگری قضایی را جز در صورتی که هر دو طرف راضی به ارجاع اختلاف به میانجیگری باشند می‌توان ارجاع اجباری نامید و از این لحاظ می‌توان میانجیگری را به میانجیگری اجباری و اختیاری تقسیم کرد. مبنای تقسیم بندی اخیر، اختیاری یا اجباری بودن ارجاع اختلاف است. در میانجیگری اجباری نیز که در موارد خاص قانونی قاضی با وجود عدم رضایت طرفین یا یکی از آنها اختلاف را به میانجیگری ارجاع می‌کند. حل و فصل اختلاف مستلزم توافق طرفین است و از این حیث تفاوتی با میانجیگری اختیاری ندارد و اجباری بودن تنها ناظر بر ارجاع اختلاف است (تایمسایت^۳، ۲۰۰۳: ۱۶۳-۱۶۴).

در نظام فقهی و دینی ما حل و فصل اختلافات خارج از دادگاه‌ها و رجوع به اشخاصی غیر از قضات منصوب، از لحاظ شرعی فاقد اشکال و حتی مورد تأکید قرار گرفته است. نه تنها در مورد مشروعیت سازش (صلح) بین مسلمانان و جواز حل و

1 - Berger

2 - Tarzia

3 - Timsit

فصل اختلافات از این طریق نیز همانند داوری، تردیدی وجود ندارد بلکه بر حل اختلافات میان مسلمانان و رفع منازعات بر مبنای سازش و تلاش در این جهت بسیار تأکید شده است. آیات و روایات زیادی مسلمانان را به صلح و سازش حل منازعات از این طریق فرا می خواند. بالاتر از آن در بسیاری از متون اسلامی تشویق به سازش از سوی قاضی به عنوان یکی از آداب شایسته قضاوت، مورد تأکید قرار گرفته است (صادقی، ۱۳۸۴، ۱۶۵). به همین منظور قاضی می تواند بین اصحاب دعوا اقدام به میانجیگری کند و آنها را به سازش و حل و فصل دوستانه اختلاف ترغیب کند و این اقدام و اختیار که بعضی از فقها بر استحباب آن نظر داده اند، مختص امور مدنی نیست و امور کیفری (جرائم تعزیری) را نیز در بر می گیرد (حسینی، ۱۳۷۸: ۳۶-۸).

گذشته از آنکه جواز و مشروعیت روش های دوستانه حل اختلاف از لحاظ شرعی مورد تردید قرار ندارد، با توجه به نحوه حل و فصل اختلاف در این روش ها و از جمله میانجیگری باید گفت که کلیه شرایط و حساسیت های خاصی که فقها در مورد روش داوری قابل اعمال دانسته اند در این روش ها الزامی نیست. این تفاوت ناشی از نحوه حل و فصل اختلاف در داوری و سایر شیوه های جایگزین حل و فصل اختلاف است. همان گونه که گفته شد، داور همچون قاضی، به تمییز حق از ناحق می پردازد و رای وی همچون حکم قاضی، حقوق طرفین دعوا را مشخص می سازد. بنابراین طبیعی است که در مورد روش داوری و شخصی که به داوری می پردازد حساسیت های زیادی وجود داشته باشد که احیاناً حقوق اشخاص بازیچه افراد ناصالح قرار نگیرد و عدالت در برابر خواستها و یا ناآگاهی این اشخاص قربانی نشود. اما در روش میانجیگری مسئولیت تعیین و تمییز حقوق بر عهده خود طرفین قرار می گیرد. میانجی هم اگر در این میان دخالت دارد، نقش وی تنها نزدیک کردن طرفین به هم و تسهیل حل و فصل اختلاف است. پس به عنوان مثال اگر در مورد داوری بسیاری از فقها عقیده دارند که شرط رجولیت در مورد قاضی تحکیم نیز جاری است، نمی توان این حکم را به میانجی نیز تعمیم داد. چرا که میانجی رای الزام آور صادر نمی کند و تنها تلاش می کند که اختلاف را با تراضی طرفین فیصله

دهد. بنابراین می‌توان گفت که از لحاظ شرعی نفوذ میانجیگری و سازش و حل و فصل اختلافات از این طریق مورد تأکید قرار گرفته است و پسندیده است که اشخاص اختلافات خود را با مراجعه به قضات حل و فصل کنند (صادقی، ۱۳۸۴: ۱۶۵).

مروری بر شیوه‌های حل و فصل اختلافات و دعاوی در قبل از انقلاب

یک سؤال اساسی قابل طرح در این ارتباط این سؤال است که اساساً حل و فصل اختلافات و دعاوی در روستاها عموماً به چه صورت بوده و می‌باشد. برای این منظور نیاز به مروری تاریخی می‌باشد. مطالعات ذیربط نشان می‌دهد، کدخدای ده، مباشر و مالک به طور غیر مستقیم و گاهی هم به طور مستقیم خود مالکان اعمال قدرت در روستاها را بر عهده داشتند. اختیارات مالک از مالکیت او ناشی می‌شد، در حالی که قدرت مباشر و کدخدا از نقش‌هایی که به عنوان مأمور محلی مالکان ایفا می‌کردند، نشأت می‌گرفت. روابط مالک و عوامل شان از یک سو و رعایا از سوی دیگر، در بیش تر موارد، نه براساس اعتماد متقابل که براساس قدرت فائقه مالک و عوامل آنها تعریف می‌شد. با وجود این مالکان و عوامل شان کارکردهای مشخصی در مدیریت تولید کشاورزی و در زندگی اقتصادی و اجتماعی ده به عهده داشتند. وظایف اصلی مالکان یا عوامل شان را برخی از جامعه‌شناسان توسعه روستایی به این شرح دسته‌بندی کردند (از کیا، ۱۳۷۰: ۹۳)؛ سرمایه‌گذاری‌های درازمدت و کوتاه مدت، مدیریت تولید کشاورزی و برنامه‌ریزی فعالیت‌های کشاورزی، مسئولیت‌های مربوط به توزیع و جمع‌آوری اعتبارات پرداخت شده توسط مالک، جمع‌آوری مالیات اراضی، سرپرستی زندگی اجتماعی در ده به کمک کدخدا، حمایت از ده در برابر هرگونه تجاوز.

از این کلیات این گونه استفاده می‌شود که در زمان نفوذ و قدرت اربابان در روستاهای ایران و در غیاب نفوذ دولت و دستگاه‌های دولتی در این مناطق حل و فصل اختلافات میان زارعین و خرده مالکان یک روستا چه منشأ این اختلاف

۱- برای مطالعه در زمینه نقش و جایگاه کدخدا در روستاها، رک: قانون کدخدایی مصوب ۲۰ آذر ۱۳۱۴؛ در قوانین و مقررات متفرقه دیگر مانند قانون اصلاح امور اجتماعی و عمران دهات مصوب ۲۶ تیرماه ۱۳۳۵ نیز نقش‌های بیش و کم مهمی در اجرای امور به کدخدا داده شده بود.

اقتصادی باشد و چه اجتماعی بر عهده نماینده و مباشر مالک و در بیش تر موارد بر عهده کدخدا بود که با نظر مالک منصوب می‌شد.

کدخدا علاوه بر اینکه خود از زارعین یا خرده مالکان بود، معمولاً از نفوذ و اعتبار اجتماعی خوبی هم برخوردار بود. بنابر این، در مواردی که اختلاف مالی، خانوادگی، حقوقی و کیفری رخ می داد مردم به او مراجعه می کردند. البته ساکنان روستاها تنها زارعین و رعایا و خرده مالکان نبودند بلکه یک دسته مهم دیگری هم در روستاهای ایران سکونت داشتند که «خوش نشین» نامیده می‌شدند (جمعیت خوش‌نشینان ایران، ۱۳۵۴: ۱۲). هر چند خوش نشینان ارتباط مستقیمی با مالکان روستاها نداشتند از آنجا که آنان هم در جامعه روستایی زندگی می کردند، به دلیل برتری اقتصاد کشاورزی و قدرت بالاتر از اربابان و مالکان در مواقع بروز اختلاف و دعوا میان خودشان یا با گروه های دیگر ساکن روستا از داوری کدخدای ده یا مباشران مالک برخوردار می‌شدند (آهنجیده، ۱۳۷۴: ۱۰-۱۴). در چنین ساختی بیش تر دعوای با داوری و میانجی گری حل و فصل می‌شد و پای دولتی و دستگاه‌های دولتی که تا آن هنگام در روستاها نفوذ زیاد نداشتند به این میدان کشیده نمی‌شد.

این نکته را نباید فراموش کرد که در کنار کدخدا دیگری هم بودند که مرجع حل و فصل اختلافات به شیوه کدخدانمشی بوده و گاهی اعتبار و نفوذ آنان از کدخدا نیز بیش تر بود. اینان کسانی جز ریش سفیدان و معتمدان روستاها نبودند؛ زیرا به دلیل ساخت ایلی و قومی و همبستگی قوی فامیلی میان روستاییان، معمولاً بزرگترها و ریش سفیدان نقش مهمی در اجرای عدالت و حل و فصل غیر رسمی ولی مؤثر اختلافات و دعوای حقوقی و کیفری ایفا می کردند. در فیصله دادن به دعوای کیفری نیز به طور عمده از شیوه های مدنی جبران خسارت و سازش و در دعوای مهم کیفری مانند قتل از جبران خسارت و زندان استفاده می کردند. برنامه اصلاحات ارضی جریان فوق را تغییر داد. اقدام نخست دولت پس از اصلاحات ارضی استفاده از پست قدیمی کدخدا بود که دولت انتظار داشت او از این به بعد عامل و کارگزار دولت باشد. ابزار دیگر مداخله دولت ژاندارمری بود که وظیفه آنان حفظ نظم مناطق

روستایی بود. ژاندارم‌ها در سطح ده در خدمت گروه‌های پر نفوذ بودند و از قدرت خود در حفظ منافع آنان استفاده می‌کردند. پاره‌ای مطالعات نشان می‌دهد که ژاندارم‌ها در اختلافات میان دهقانان خرده پا و گروه‌های صاحب نفوذ به طرفداری از گروه اخیر دعاوی را حل و فصل می‌کرده‌اند (از کیا، ۱۳۷۰: ۱۴۰). دهقانان خرده پا به ندرت به مقامات بالاتر یا دادگاه بخش به منظور شکایت از عدم اجرای عدالت توسط ژاندارم‌ها مراجعه می‌کردند. از نظر جامعه‌شناسی تبیین این امر در این است که دهقانان خرده پا می‌دانستند که افراد با نفوذ به هر روشی به ویژه با تطمیع ژاندارم‌ها مانع به نتیجه رسیدن طرح دعاوی آنها می‌شوند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد، حضور دولت در روستاها از دهه ۱۳۴۰ با ایجاد سه نوع سپاه (دانش، بهداشت و ترویج) مستحکم‌تر شد. هدف اولیه این سپاهیان اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی بود ولی به دلیل قدرتی که داشتند و با توجه به شناخت کمی که مردم از مناسبات قدرت و اختیارات آنان داشتند، بسیاری از اختلافات میان مردم با حضور آنان حل و فصل می‌شد. البته ریش سفیدان و کدخدا هم صاحب اعتبار و نفوذ بودند ولی نه به اندازه گذشته. البته در دهاتی که سپاهیان دارای پایگاه بودند دهقانان آنان را گاهی قدرتمندتر از رهبران محلی به حساب می‌آوردند. با این همه، به دلیل اینکه عموماً از طبقات متوسط شهری بودند و به زندگی و مشکلات روستایی شناخت کافی نداشتند در حل و فصل اختلافات به خوبی رهبران محلی نبودند. در هر حال، نخستین طلیعه کم‌رنگ شدن عدالت غیررسمی در روستاها و حرکت به سمت دولتی و رسمی شدن اجرای عدالت بود. از طرف دیگر خود اصلاحات ارضی که همراه با مشکلات اجرائی، نقص در روند اصلاح و تضييع حقوق برخی از افراد بود، به بروز اختلافات و دعوای حقوقی فراوان و گاهی درگیری میان مردم منجر شده بود. در این شرایط با اینکه نماینده مالکان و ریش سفیدان و نیز کسانی که در جریان این اصلاحات بودند بهتر از دیگران به حل و فصل اختلافات تشویق شد.

با اینکه قانون گذار ایران در این تجربه متأثر از قانون گذار فرانسه بود، عوامل داخلی زمینه ساز شکل گیری آن را نمی‌توان نادیده گرفت؛ عامل نخست در شکل

دهی به خانه انصاف در روستاها و شوراهای داوری در شهرها کمک به دادگستری برای رسیدگی به دعاوی با استفاده از توان نیروهای اجتماعی بود. کاهش نقش مستقل روحانیون و سایر مراجع سنتی شهری متعهد به حل و فصل اختلافات که با توسعه شهرنشینی روز به روز کم رنگ تر می‌شد، عامل مهم دیگری بود که به موازات تضعیف جایگاه و نقش بزرگ مالکان و ایادی آنها در روستاها شکل‌گیری چنین فکری را تقویت کرد. گرایش دولت به تمرکزگرایی و دولتی کردن امور دیگر عامل تعیین‌کننده در این زمینه می‌تواند ارزیابی شود. در کنار دادگستری که به تدریج توسعه یافت، برخی از تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در ایران مانند اصلاحات ارضی - به عنوان یکی از برنامه‌های ایجاد تغییر در دهه ۴۰ - زمینه ساز شکل‌گیری نهادهای شبه قضایی شد. خانه‌های انصاف و شورای داوری ضمن اینکه بر قدرت رویه‌های سنتی و توانمندی‌های نیروهای اجتماعی مؤثر بر حل و فصل اختلافات بنیان نهاده شد، در ذات خود می‌تواند تحدیدکننده دامنه عمل آنان و رسمی‌سازی ساختار عدالت غیر رسمی تلقی شود. یعنی، تجربه خانه‌های انصاف و شورای داوری در پیش از انقلاب و شوراهای حل اختلاف در سال‌های اخیر. از قدیم‌الایام در دعاوی خصوصی که بین دو نفر به وجود می‌آمد دولت در بادی امر نقش فعالی برای خود قائل نبوده است. زیرا این دعاوی که در جریان عادی زندگی همواره طرح می‌شوند، بدون دخالت دولت هم قابل حل و فصل اند مشروط بر اینکه نهادها و مراجع غیررسمی معتبر و قابل اتکایی یافت شود. به عبارت دیگر، برای دوری جستن از مجاری رسمی مهم این است که طرفین راهی دیگر بیابند و بخواهند یا بپذیرند که به داوری یا مرجعیت افراد یا نهادهای غیر رسمی تن دهند. همواره در جامعه ایرانی حل و فصل این نوع اختلافات را نهادهای غیررسمی بر عهده داشتند. ریش سفیدان، بزرگان، مالکان یا نمایندگان آنان، همچنین در سطحی ویژه روحانیون به طور مستقل، و به شکلی رسمی‌تر از آن در مراجع شرع که از دوران قاجار تا دوره پهلوی اول در این زمینه صلاحیت دار بودند، در این زمینه نقش آفرینی کردند(زرنگ، ۱۳۸۱: ۱۱۸).

خانه انصاف

بررسی‌ها نشان می‌دهد، نخستین بار هیأت وزیران در جلسه ۱۳۴۲/۵/۱۲ بنا به پیشنهاد وزارت دادگستری تشکیل خانه‌های انصاف را در قالب «تصویب نامه قانونی راجع به تشکیل خانه انصاف» به تصویب رساند که پس از دو سال در تاریخ ۱۳۴۴/۲/۱۸ مجلس شورای ملی «قانون تشکیل خانه انصاف» را که تقریباً مشابه تصویب‌نامه دولت بود از تصویب گذراند. این قانون در ۱۳۴۷/۱۲/۱۸ اصلاح شد که در نهایت ۱۳۵۶/۳/۲۵ قانون جدید با عنوان «قانون خانه انصاف» از تصویب مجلسین گذشت و لازم الاجرا گردید. خانه انصاف مرکب از پنج نفر از معتمدان محل است که در جریان انتخاباتی که نهادهای حکومتی مسئول برگزاری آن بودند از طرف ساکنان حوزه خانه انصاف برای مدت ۴ سال انتخاب می‌شدند. خانه انصاف زیر نظر دادگاه محل انجام وظیفه می‌کرد. مهم‌ترین شرط برای انتخاب شوندهاگان داشتن حداقل ۳۰ سال سن و معروفیت به دیانت و صحت عمل و امانت بود. خانه انصاف مکلف شده بود که در همه اختلافات و دعاوی سعی کند میان ساکنان ده صلح و سازش برقرار کند. مهم‌ترین صلاحیت خانه انصاف در امور مدنی عبارت بود از: رسیدگی به دعاوی مالی با نصاب حداکثر پنج هزار ریال، رسیدگی به دعاوی تصرف عدوانی و مزاحمت نسبت به اموال منقول و اموال غیرمنقول به شرط مشهود بودن آن برای اعضای خانه انصاف، رسیدگی به دعاوی اموال منقول به هر میزان به شرط رضایت طرفین، تقسیم اموال منقول در حد نصاب مالی، رسیدگی به دعاوی و کدورت‌های خانوادگی و نفقه زن و اولاد و سایر افراد واجب‌النفقه، صدور گواهی انحصار وراثت به شرطی که بهای ماترک از بیست هزار ریال بیش‌تر نباشد، تأمین دلیل، رسیدگی به درخواست افراز املاک، رسیدگی به درخواست سازش بین طرفین به هر میزان، صورت‌برداری از ماترک متوفی در صورت تقاضای هر یک از وراثت‌یابان صاحبان حق و حفظ ترکه متوفای بدون وارث. مهم‌ترین صلاحیت خانه انصاف در دعاوی کیفری رسیدگی به امور خلافی بود که جزای نقدی آن در روستاها بین یکصد تا هزار ریال در نظر گرفته شده بود.

مراقبت در حفظ آثار جرم و جلوگیری از فرار متهمین در جرائم مشهود و اعلام فوری مراتب امر به نزدیک ترین مرجع قضایی یا مأموران انتظامی و مذاکره به منظور ایجاد سازش بین طرفین در جرائم در صورت مراجعه هر یک از طرفین دیگر موارد در صلاحیت خانه انصاف بود. با توجه به وضع فرهنگی روستاها و سادگی نوع و شکل بیش تر جرائم ارتكابی، این اختیارات به ویژه برقراری سازش میان طرفین دعوا می‌توانست به فصل خصومت و ایجاد صلح کمک کند. چند عامل به ایجاد فضای مناسب برای خانه های انصاف برای ایجاد صلح و سازش کمک می‌کرد: نخست، اعتماد روستائیان به اعضای خانه های انصاف در اغلب موارد با توجه به ریشه های اجتماعی آنان و نیز انتخاب آنان توسط خود مردم؛ دوم، اشراف آنان به زمینه های بروز اختلافات و دعاوی؛ سوم، تمایل دادگستری به دخالت بیش تر خانه های انصاف برای فصل دعوا. اقامه دعوا مجانی و بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی بود. یکی از نکات مهم این قوانین پیش بینی جلسات و کلاس های آموزشی برای اعضای خانه انصاف بود که زیر نظر رئیس دادگاه بخش محل (بعدها شهرستان) یا یکی از قضات مأمور از طرف وزارت دادگستری انجام می‌شد (محمودی جانکی، ۱۳۸۷: ۱۰۹).

نقش ریش سفیدان در روش برون دادگاهی

نقش ریش سفیدی و کدخدانمنشی برای حل نزاع ها و اختلافات حتی پیش از شکل گیری دولت و سازمان قضایی امری معمول و متداول بوده است. سابقه و قدمت بیشتری از شیوه رسمی و دولتی حل اختلافات دارد. در جوامع اولیه که نظام قبیله‌ای حاکم بود، حل و فصل دعاوی و اختلافات توسط بزرگان و ریش سفیدان قبیله انجام می‌شد. عامه مردم با اعتماد و اطمینان در مقام صلح جویی و مسالمت دعاوی خود را به داوری نزد آنان می‌بردند و با علاقه و احترام خاص به احکام شان گردن می‌نهادند، که این باعث انسجام و همبستگی جامعه می‌شد و آن را از دودستگی و تفرق حفظ می‌کرد. انسجام اجتماعی در جوامع روستایی مبتنی بر نیاز گروه‌ها و اعضای جامعه می‌باشد. ویژگی هایی چون وجود اعتماد بین اعضای جامعه روستایی، همبستگی موجود بین آنان و ضرورت پایبندی به آن، ارجحیت همنوایی و همرنگی، همگی زمینه های ظهور و پایداری نقش ریش سفیدی و کدخدانمنشی و

انسجام اجتماعی را در جوامع روستایی ایران که اساس آن مبتنی بر نظام ایلی و قومی می‌باشد، فراهم نموده است.

۱۳۹

جامعه روستایی یک کل واحد است اما، جامعه به عنوان یک کل متشکل از گروه‌های مختلفی است تا اینکه بهتر و راحت تر به اهداف خود برسد. افراد تشکیل دهنده آن دارای ادراک‌های مشترک و پیوندهای عاطفی و وابستگی‌های متقابل و نقش‌های اجتماعی می‌باشند که این امر آنان را بیش از پیش به یک دیگر وابسته می‌کند و نوعی وحدت و یکپارچگی را در میان آنان تشدید می‌نماید که البته تنها با داشتن گروه‌های مختلف امکان حیات پیدا نمی‌کند. بلکه عامل مهم در ادامه حیات یک جامعه وجود انسجام در بین گروه‌هاست. چرا که اعضاء گروه با داشتن انسجام، سخت‌تر کار می‌کنند تا به هدف‌های مورد نظر برسند (نوابخش، نظری و ایدر، ۱۳۸۸: ۲۰-۱). لذا حضور مداوم روستائیان در عرصه مشارکت اجتماعی ناشی از تلاش آنان برای حفظ گروه، قوم و قبیله حفظ موجودیت و حریم مادی و معنوی و انسجام اعضای آن می‌باشد. نیازهای زیربنایی چون حفظ امنیت روستا، قوم و قبیله، امور مربوط به کشاورزی و دامداری که ادامه حیات روستا وابسته به آن است، محدودیت‌های محیطی سبب تقویت انگیزه‌های افراد برای اینگونه مشارکت‌ها و نقش ریش سفیدی و کدخدانندی در انسجام جامعه است.

مزایای روش‌های حل و فصل دعاوی برون دادگاهی

در نظام حقوقی ایران طرح دعوا در دادگستری، مستلزم پرداخت هزینه دادرسی می‌باشد. هزینه‌های دادرسی معمولاً شامل بهای ورقه دادخواست هزینه تطبیق اوراق منظم دادخواست، و هزینه رسیدگی به دعوا با توجه به میزان خواسته می‌باشد. ممکن است اشخاصی توانایی پرداخت هزینه دادرسی را نداشته باشند و از اینرو برای طرح دعوا در دادگستری با مشکل مواجه می‌شوند. البته در قانون آئین دادرسی مدنی، اعسار از پرداخت هزینه دادرسی نیز پیش‌بینی شده است. لیکن رسیدگی به ادعای اعسار مستلزم تقدیم جداگانه دادخواست و یا طرح ادعای اعسار در ضمن دادخواست نخستین است. که با توجه به مراحل قانونی رسیدگی به اعسار این امر قطعاً اطاله دادرسی را در پی خواهد داشت (شمس، ۱۳۹۰: ۴۱). کسانی که به نحوی

با دادگستری ها سروکار دارند شاهد و ناظر هستند که از زمان تشکیل شوراهای حل اختلاف به ویژه در شهرهایی که این شوراها در خارج از ساختمان دادگستری مستقر هستند تعداد مردمی که در راهرو دادگستری رفت و آمد و تردد دارند کمتر شده است. از طرف دیگر قضات محاکم با دقت و آرامش لازم خاطر بیشتر و البته سریع تر از گذشته به دعاوی مطروحه رسیدگی می نمایند.

با تشکیل شوراهای حل اختلاف از تراکم پرونده ها در دادگاهها کاسته شده است. با تشکیل شوراهای حل اختلاف، میزان مشارکت مردم در حل و فصل دعاوی همونوعانشان افزایش یافته است. قبل از تشکیل شوراها، حل و فصل دعاوی منحصراً توسط دادگاهها و قضات انجام می شد. لیکن اعضای شورای حل اختلاف از بین مردم و معتمدین شهرها و روستاها انتخاب می شوند. خلاصه اینکه مراجعه به شوراهای حل اختلاف با اقبال عمومی مواجه است زیرا اولاً دادرسی در شورا مجانی است. ثانیاً تشریفات آیین دادرسی در این شوراها لازم الرعایه نیست^۱. ثالثاً اشخاصی که در این شوراها مشغول فعالیت هستند از بین خود مردم و از معتمدین آنها انتخاب می شوند و قطعاً مردم در طرح دعاوی و مشکلات خود با این افراد راحت تر می باشند. به ویژه اینکه شوراهای حل اختلاف در وهله اول برای مذاکره و ایجاد صلح و سازش بین طرفین در کلیه امور مدنی صالح به رسیدگی می باشند و عملاً هم شوراهای سعی می کنند دعاوی مطروحه را به صلح و سازش خاتمه دهند. (راوندی، ۱۳۶۸: ۱۲). در قانون آئین دادرسی مدنی دادگاههای عمومی و انقلاب جهت طرح دعاوی حقوقی و رسیدگی به آن تشریفات خاصی را در نظر گرفته است که عدم رعایت هر یک از تشریفات با ضمانت اجرا مواجه می باشد که ممکن است به مختومه شدن پرونده یا تجدید جلسه رسیدگی بر حسب مورد، منجر گردد. مانند رعایت فاصله ابلاغ به اصحاب دعوی و روز جلسه که برای داخل کشور ۵ روز و خارج کشور ۲ ماه می باشد. حذف شدن تشریفات مذکور تاثیر بسزایی در سرعت رسیدگی به پرونده و حل و فصل اختلاف خواهد داشت. یکی از عوامل اطلاع دادرسی در دادگاهها، عدم ابلاغ

۱- ماده ۲۱ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷.

صحیح اوراق قضایی توسط مامور ابلاغ است، که الزامی نبودن رعایت تشریفات مذکور در شورا، سبب تسریع در رسیدگی می‌باشد (شمس، ۱۳۹۰: ۱۸۱).

رسیدگی به اختلافات و دعاوی مردم یکی از مظاهر حاکمیت در اسلام و زیرمجموعه اختیارات فقهاء اسلامی عموماً ولی فقیه عهده دار زمام امور مسلمین خصوصاً است و قابل واگذاری به غیر نیست، در سایر کشورها هم تا به امروز محاکم دادگستری به بخش خصوصی واگذار نگردیده است چندان که نزد ایشان نیز رسیدگی به دعاوی مردم از جمله اختیارات حکومت و مظاهر حاکمیت داخلی یک کشور است ولی در عین حال با توسعه جوامع و افزایش روزافزون جمعیت و ارتباطات مردمی مظاهر اختلافات و نیز عناوین مجرمانه نسبت به گذشته زیاد شده است که این مستلزم ورود پرونده‌های زیاد به سیستم قضایی کشور می‌شود که رسیدگی عادلانه به همه آنها با لحاظ دقت و سرعت، عملاً امکان پذیر نیست. بنابراین لازم است به ناچار بخشی از این پرونده‌ها که از پیچیدگی خاصی برخوردار نیست در نهادهای مشابه قضایی مورد رسیدگی قرار گیرد، در این خصوص ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «به منظور کاهش مراجعات مردم به محاکم قضایی و در راستای توسعه مشارکت‌های مردمی، رفع اختلافات محلی و نیز حل و فصل اموری که ماهیت قضایی ندارد و یا ماهیت قضایی آن از پیچیدگی کمتری برخوردار است به شوراهای حل اختلاف واگذار می‌گردد. حدود وظایف و اختیارات این شوراها، ترکیب و نحوه انتخاب اعضای آن براساس آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیات وزیران و به تایید رئیس قوه قضاییه می‌رسد.» ماده ۱۳۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران عیناً ماده یاد شده را برای این دوره تایید کرد و در سال ۱۳۸۱ آیین‌نامه اجرای ماده ۱۸۹ به تصویب رسید و شوراهای حل اختلاف عملاً از سال ۱۳۸۱ شروع به فعالیت کرد. بدین ترتیب بخشی از پرونده‌های ورودی به دادگستری اعم از حقوقی و کیفری به موجب ماده ۷ آیین‌نامه فوق در صلاحیت رسیدگی شوراهای حل اختلاف قرار گرفت. که این عمل از نظر فنی در اصطلاح حقوقدانان «قضازدایی» نامیده

می‌شود و منظور از آن این است که در راستای تقلیل کار محاکم دادگستری و بالا بردن سطح کیفیت رسیدگی و اعمال دقت بیشتر و کاستن از فرایند طولانی رسیدگی‌ها، پاره‌ای از پرونده‌ها از چرخه رسیدگی قضایی خارج و به مراکز و نهادهای حل و فصل مردمی و غیرقضایی و ابزارهای «عدالت ترمیمی» است که مورد تایید و تاکید حقوقدانان و جرم‌شناسان است (منشی زاده، ۱۳۷۷: ۱۸).

یکی از مسائلی که همواره باعث نگرانی مردم و ایجاد یاس و ناامیدی در آنها می‌شود طولانی شدن فرایند رسیدگی در محاکم دادگستری است، بگونه‌ای که گاهی باعث می‌شود افراد از اقامه دعوا و طرح پرونده و یا پیگیری آن بعد از مدتی، منصرف شوند، که این مساله «تظلم خواهی مردم» را به شدت تهدید می‌کند و باعث تنزل جایگاه محاکم در نزد مردم می‌گردد و محاکم قضایی را که از نظر ادبیات اسلامی «مرجع احقاق حق و اجرای عدالت» است، در عمل، به وسیله تضییع حق، مبدل می‌کند که این امر علاوه بر مردم، مسئولان قضایی و خود قضات رسیدگی کننده به پرونده‌ها را، نگران و معذب می‌کند، بگونه‌ای که مسئولان قضایی همواره در سعی و تلاش اند تا بتوانند به طولانی نشدن فرایند رسیدگی فایق آیند مضافاً بر اینکه وکلاء دادگستری و مشاوران قضایی و سایر دست اندرکاران مسایل قضایی نیز از این مساله زجر می‌کشند (شهری و حسین آبادی، ۱۳۵۸: ۴).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

جدول ۱: الگوهای حل و فصل دعاوی

الگو	زیرمجموعه	مزایا	معایب
رسیدگی قضایی (دادگاهی)	رسیدگی در دادگاه‌های حقوقی، کیفری، دادرسی	- حل و فصل قطعی دعاوی - کاهش اشتباهات در تشخیص حق - تخصصی بودن - دارای ضمانت اجرایی	- طرح دعوا در دادگستری، مستلزم پرداخت هزینه دادرسی - افزایش مراجعه مردم به محاکم قضایی (تورم دعاوی) - طرح دعاوی حقوقی و رسیدگی به آن تشریفات خاصی را می‌طلبد. - طولانی بودن فرایند رسیدگی در محاکم دادگستری
روشهای جایگزین حل اختلاف (برون دادگاهی)	شورا سازش مذاکره ارجاع به کارشناس ارجاع به داور	- جلوگیری از اطاله دادرسی - کم هزینه بودن رسیدگی به دعاوی - کاهش مراجعه مردم به محاکم قضایی و توسعه مشارکت های مردمی - رسیدگی به پرونده ها، تابع تشریفات آیین دادرسی نمی‌باشد. - قضا‌دایی - رفع اختلافات محلی	- امکان تبانی با طرفین - اشتباه در تشخیص حق به جهت عدم تخصص
الگوهای نامشروع	تصویه حساب شخصی	- فاقد مزایا است.	- مسئولیت کیفری دارد. - موجب اختلاف جدید است. - به اقتدار دستگاه عدالت خدشه وارد می‌کند.

مأخذ: (نگارندگان، ۱۳۹۲)

پیشینه تحقیق

فرشید افشار (۱۳۴۷) در تحقیقی با تحت عنوان «دادرسی روستایی در ایران (خانه های انصاف) و بررسی تطبیقی با دادرسی روستایی در هند (پنجایات های عدالت)» به بررسی دادرسی روستایی و نقش و عملکرد خانه انصاف پرداخته است. لذا نخست خانه‌های انصاف، نحوه شکل گیری و قوانین مربوط بدان ها مورد مذاقه قرار گرفته سپس با معرفی نهادهای دادرسی هندوستان، تحلیلی مقایسه‌ای بین دو کشور انجام گرفته است تا نقاط ضعف و قوت دادرسی روستایی کشور مشخص شود.

همچنین محسن جیلانی (۱۳۶۲) در تحقیقی با عنوان «خانه انصاف و تأثیر اجتماعی آن در ایران» به بررسی عملکرد این نهاد پرداخته است که خانه انصاف را از لحاظ اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، روانی، تربیتی، قضایی و بهداشتی مورد بررسی قرار داده است.

در طی سال‌های اخیر نیز مطالعات چندی در رابطه با نهادهای داوری نوپا به خصوص شوراهای حل اختلاف صورت گرفته که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

عباس جمشیدی (۱۳۸۳) در پژوهشی با موضوع «بررسی جایگاه حقوقی شوراهای حل اختلاف موضوع ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه» ضمن معرفی این نهاد به دلایل شکل‌گیری و نقاط ضعف و قوت آن پرداخته است.

رکن الدین افتخاری و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی تحت عنوان ارزیابی نقش شوراهای حل اختلاف روستایی در امنیت قضایی روستاییان، یکی از تحولات مهم در عرصه قضایی کشور را تشکیل نهاد مردمی شوراهای حل اختلاف در سال ۱۳۸۱ می‌دانند که پیش از این تاریخ، روند دادرسی و حل اختلافات، در دادگاه‌ها و مراکز قضایی رسمی انجام می‌گرفت تا اینکه شوراهای حل اختلاف به عنوان نهادی شبه قضایی وارد عرصه قضاوت شدند؛ از آن پس جوامع شهری و روستایی کشور پذیرای نهاد نوپایی شده‌اند که عهده دار حل و فصل بخشی از اختلافات شهروندان است. لذا می‌توان گفت علی‌رغم برخی کاستی‌ها، شوراهای حل اختلاف از نهادهای مؤثر در گسترش فرهنگ صلح و سازش در جامعه و شکل‌گیری امنیت قضایی در جامعه روستایی کشور می‌باشند.

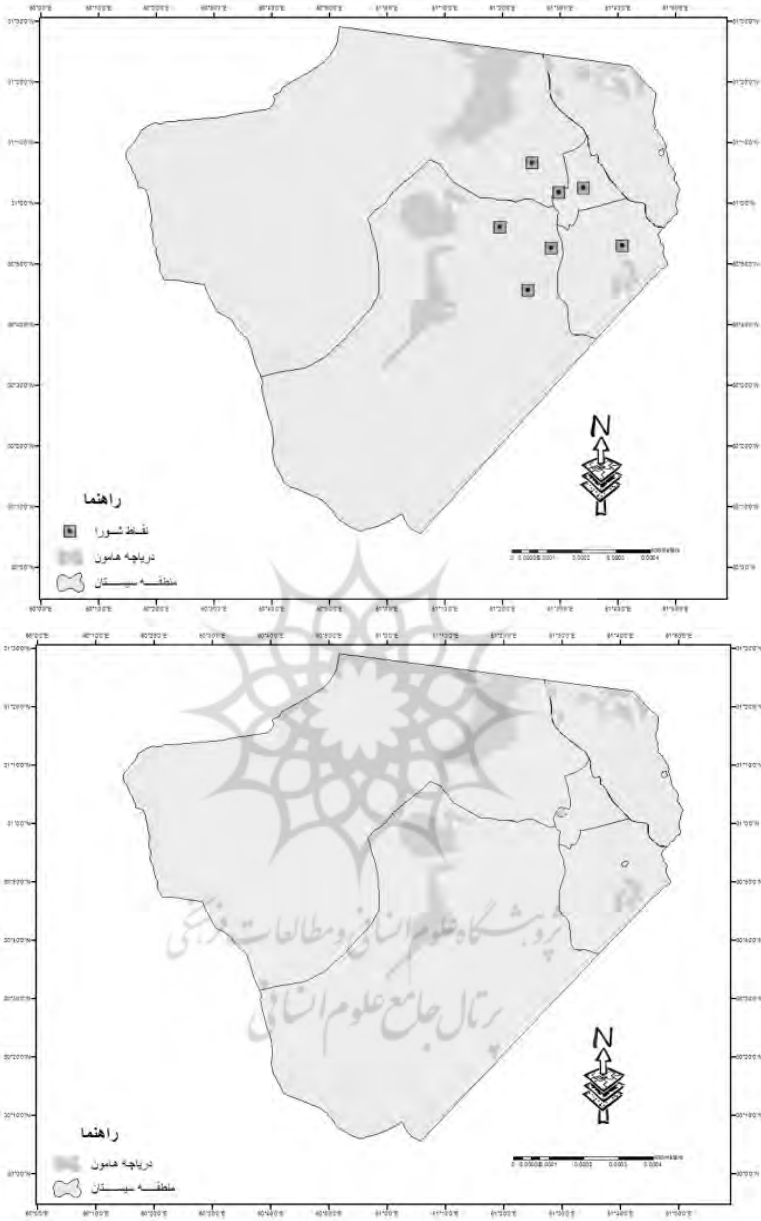
رکن الدین افتخاری و همکاران در سال (۱۳۹۲) به تحلیل عملکرد شوراهای حل اختلاف در تعالی مدیریت توسعه روستایی در روستاهای شهرستان شبستر پرداخته و مولفه‌های حکمروایی خوب برای تحلیل عملکرد شورای حل اختلاف را تعیین و به این نتیجه رسیده‌اند که، شورای حل اختلاف تا حدودی توانسته مدیریت توسعه روستایی را تعالی بخشد. تحقیق حاضر تلاش دارد به تحلیل الگوها و روش‌های حل و فصل دعاوی در روستاهای منطقه سیستان بپردازد.

روش‌شناسی

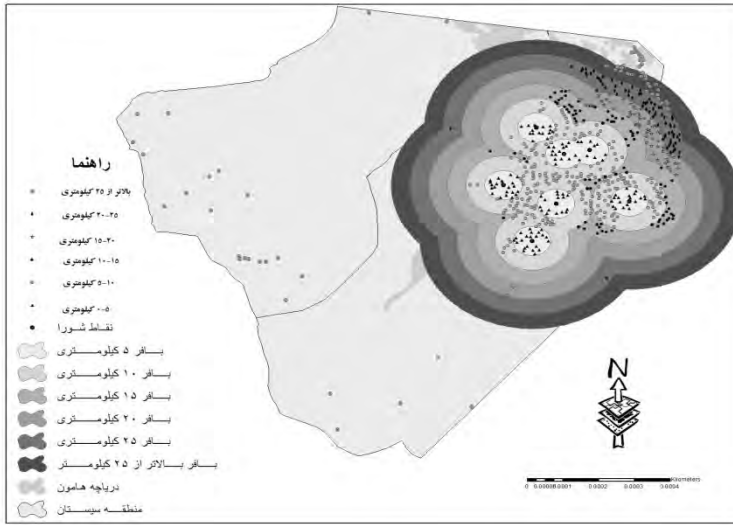
پژوهش حاضر از نوع مطالعات کاربردی است که از روش‌های تحقیق توصیفی - تحلیلی و نیز روش‌های آماری برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است. گردآوری اطلاعات با استفاده از روش‌های اسنادی و مطالعات میدانی در روستاهای نمونه، انجام پذیرفته و عمده اطلاعات اخذ شده در سطح جامعه نمونه به صورت تکمیل پرسشنامه ی نهایی پس از تأیید آن در مرحله ی کارشناسی و نیز در مرحله ی پیش آزمون بوده است. اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از نرم افزارهای SPSS و GIS تجزیه و تحلیل گردیده و برای بررسی میزان پایایی گویه های تحقیق از اماره آلفای کرونباخ با دامنه ۰ تا ۱ استفاده شده که میزان آن ۰/۸۱۲ می باشد. شاخص های مورد نظر در ۴۰ روستای نمونه که ۲۰ روستا در فاصله ۵-۰ کیلومتری از دادگاه و شوراهای حل اختلاف و دسترسی بالا و ۲۰ روستا در فاصله بالاتر از ۲۵ کیلومتری از دادگاه و شوراهای حل اختلاف و دسترسی کم مورد ارزیابی قرار گرفته است.

معرفی محدوده مورد مطالعه

منطقه سیستان با مساحت ۱۵۱۹۷ کیلومتر مربع در محدوده جغرافیایی بین ۳۰ درجه و ۵ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۸ دقیقه عرض جغرافیایی و ۶۰ درجه و ۱۵ دقیقه تا ۶۱ درجه و ۵۰ دقیقه طول جغرافیایی در جنوب شرقی ایران و در شمالی ترین قسمت استان سیستان و بلوچستان واقع شده که حدود ۸/۱ درصد از مساحت استان را به خود اختصاص داده است (سالاری سردری، کیانی، ۱۳۸۸: ۳). این نقطه از شمال به مرز افغانستان و جنوب خراسان جنوبی و از شرق به مرز ایران و افغانستان، از شمال غرب به خراسان جنوبی، از غرب به استان کرمان محدود می گردد (سهرابی، شیرزادی گیلانی، ۱۳۸۶: ۲۹۳). منطقه و محدوده ی مورد مطالعه ی این پژوهش، منطقه سیستان است. منطقه سیستان در محدوده زمانی پژوهش دارای پنج شهرستان زابل، زهک، هیرمند، نیمروز و هامون می باشد. شکل شماره (۱)، شکل منطقه سیستان و محل شوراهای حل اختلاف آن را نشان می دهد.



شکل شماره (۵): موقعیت منطقه سیستان و محل شوراهای حل اختلاف منطقه، نگارندگان، ۱۳۹۲.



**شکل ۶: فواصل تقریبی روستاهای تحت نفوذ شوراهای حل اختلاف در منطقه بیستگان
 مأخذ؛ نگارندگان، ۱۳۹۲**

شوراهای حل اختلاف با افزایش مشارکت های مردمی در امور قضایی خویش، کاهش مراجعات به محاکم قضایی و گسترش فرهنگ صلح و سازش پا به عرصه گذاردند. همان گونه که در شکل (۳-۹) مشاهده می شود، ابتدا روستاها در فاصله های ۵-۰، ۱۰-۵، ۱۵-۱۰، ۲۰-۱۵ و بالاتر از ۲۵ کیلومتری طبقه بندی شده است. همان گونه که مشاهده می شود بیشترین دسترسی روستاها به شوراهای حل اختلاف و دادگاهها در فاصله ۵-۰ کیلومتری است.

یافته های تحقیق

برای دسته بندی عامل ها و شناسایی ساختار روابط بین متغیرها از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شده است. تحلیل عاملی مدلی است برای برخی از روش های آماری چندمتغیره که هدف اصلی آن خلاصه کردن اطلاعات گسترده است. در عین حال خلاصه کردن اطلاعات به ترتیبی صورت می گیرد که نتیجه ی خلاصه شده از نظر مفهوم، معنی دار است (حکمت نیا، ۱۳۸۵: ۲۲۸). در این راستا مقدار KMO

(۰/۷۱۲) و نتایج آزمون بار تلت نشان می‌دهد که داده‌ها برای اجرای آزمون تحلیل عاملی مناسب است. جدول (۲) میزان اشتراک متغیرها یا واریانس کل با میزان اشتراک عاملی متغیرها را نشان می‌دهد که گویای تمامی اشتراک‌های قبل از استخراج است، بنابراین تمامی آنها برابر با یک هستند. همان‌گونه که در جدول زیر مشاهده می‌شود بیشترین میزان اشتراک‌ها بالاتر از ۵۰ درصد است و بیانگر توانایی عامل‌های تعیین شده در تبیین واریانس متغیرهای مورد مطالعه است. با وجود این در بین مقادیر اشتراک، تفاوت‌هایی نیز مشاهده می‌شود. برای مثال مقدار اشتراک مربوط به متغیر اعتماد به مردم روستا ۰/۵۸ و برای متغیر فواصل طولانی روستاها از شهرها و مراکز دادرسی ۰/۸۹ است.

جدول ۲: میزان اشتراک اولیه و بعد از استخراج عامل‌ها برای متغیرهای وارد شده در تحلیل عاملی

میزان اشتراک اولیه ^۱	استخراج عامل‌ها ^۲	
۱.۰۰۰	۸۹۶.۰	فواصل طولانی روستاها از شهرها و مراکز دادرسی
۰.۰۰۱	۷۵۵.۰	قابلیت رسیدگی و ترفیع دعاوی روستاییان در محل
۰.۰۰۱	۸۰۰.۰	عدم اطلاع و آگاهی کافی روستاییان از بروکراسی اداری دادگاه‌ها
۰.۰۰۱	۷۵۵.۰	کثرت و پراکندگی و صعوبت دسترسی به بسیاری از روستا
۰.۰۰۱	۶۸۸.۰	وسعت روستا
۰.۰۰۱	۸۰۹.۰	حجم زیاد پرونده‌های قضایی در دادگاه‌ها
۰.۰۰۱	۷۰۵.۰	طولانی شدن زمان رسیدگی به مراجعات
۰.۰۰۱	۷۳۵.۰	پایین بودن سطح سواد روستاییان
۰.۰۰۱	۸۰۶.۰	پایین بودن آگاهی روستاییان نسبت به قوانین و امور قضایی
۰.۰۰۱	۷۵۲.۰	کاهش هزینه‌های حل و فصل دعاوی در روش برون دادگاهی
۰.۰۰۱	۷۳۶.۰	افزایش مشارکت مردم در امور قضایی در روش برون دادگاهی
۰.۰۰۱	۶۷۱.۰	امنیت رفت و آمد در روش درون دادگاهی
۰.۰۰۱	۸۶۶.۰	میزان رضایتمندی از روش برون دادگاهی
۰.۰۰۱	۸۶۹.۰	میزان هبستگی اجتماعی در روش برون دادگاهی
۰.۰۰۱	۸۰۵.۰	میزان اعتماد و اطمینان به روش درون دادگاهی و
۰.۰۰۱	۵۸۴.۰	اعتماد به مردم روستا
۰.۰۰۱	۷۲۲.۰	بومی بودن افراد در روش برون دادگاهی
۰.۰۰۱	۸۹۳.۰	در دسترس بودن افراد در روش برون دادگاهی
۰.۰۰۱	۸۱۳.۰	داشتن شناخت کافی از طرفین در روش برون دادگاهی

1 - Initial
2 - Extraction

۷۵۶.۰	۰۰۰.۱	آشنایی کافی به شرایط حاکم بر جامعه محلی در روش برون دادگاهی
۷۱۷.۰	۰۰۰.۱	رایگان و حتی کم هزینه بودن مراحل دادرسی در روش برون دادگاهی
۸۲۳.۰	۰۰۰.۱	غرض ورزی در روش برون دادگاهی
۸۳۷.۰	۰۰۰.۱	نبود نظارت در روش برون دادگاهی
۷۹۸.۰	۰۰۰.۱	وحدت و انسجام مردم و ریش سفیدان در حل مسایل و اختلافات
۸۲۷.۰	۰۰۰.۱	اعتماد به ریش سفیدان
۷۷۴.۰	۰۰۰.۱	اعتماد به نهادهای رسمی حل اختلاف
۶۹۰.۰	۰۰۰.۱	وحدت و انسجام مردم روستا در کارهای دسته جمعی
۷۶۱.۰	۰۰۰.۱	میزان نزاع های جمعی و اختلاف سیاسی در بین روستاییان
۷۸۹.۰	۰۰۰.۱	پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد

جدول ۳: درصد واریانس و مقادیر ویژه عامل های مختلف

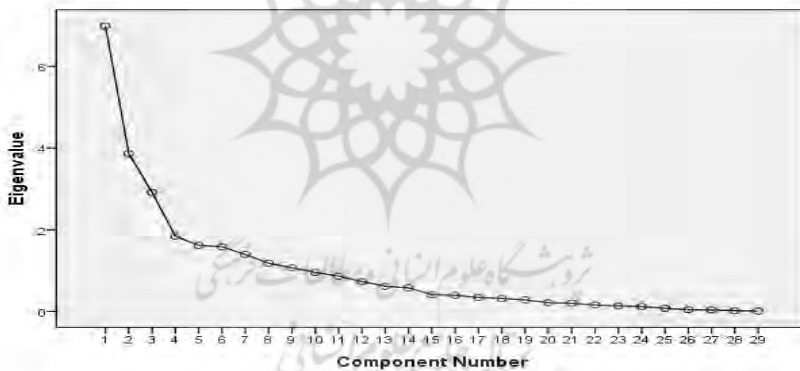
مجموع مجذور بارهای چرخش یافته			مجموع مجذور بارهای استخراجی			ارزش های ویژه آغازین			عامل	
درصد تراکمی	درصد واریانس	مقدار کل	درصد تراکمی	درصد واریانس	مقدار کل	درصد تراکمی	درصد واریانس	مقدار کل		
۵۹۵.۱۱	۵۹۵.۱۱	۳۶۳.۳	۱۲۳.۲۴	۱۲۳.۲۴	۹۹۶.۶	۱۲۳.۲۴	۱۲۳.۲۴	۹۹۶.۶	۱	فواصل طولانی روستاها از شهرها و مراکز دادرسی
۰.۵۰.۲۲	۴۵۵.۱۰	۰.۳۲.۳	۴۶۱.۳۷	۳۳۸.۱۳	۸۶۸.۳	۴۱۶.۲۷	۳۳۸.۱۳	۸۶۸.۳	۲	در دسترس بودن افراد در روش برون دادگاهی
۸۵۲.۳۱	۸۰۲.۹	۸۴۳.۲	۵۲۴.۴۷	۰.۶۳.۱۰	۹۱۸.۲	۵۲۴.۴۷	۰.۶۳.۱۰	۹۱۸.۲	۳	میزان هبستگی اجتماعی در روش برون دادگاهی
۹۴۸.۴۰	۰.۹۶.۹	۶۳۸.۲	۸۸۵.۵۳	۳۶۱.۶	۸۴۵.۱	۸۸۵.۵۳	۳۶۱.۶	۸۴۵.۱	۴	میزان رضایتمندی از روش برون دادگاهی

۹۳۱.۴۹	۹۸۳.۸	۲۶۰.۵	۴۶۴.۵۹	۵۷۹.۵	۶۱۸.۱	۴۶۴.۵۹	۵۷۹.۵	۶۱۸.۱	نبود نظارت در روش برون دادگاهی	۵
۷۳۸.۵۸	۸۰۸.۸	۵۵۴.۲	۹۱۷.۶۴	۴۵۲.۵	۱.581	۹۱۷.۶۴	۴۵۲.۵	۵۸۱.۱	اعتماد به ریش سفیدان	۶
۲۸۲.۶۶	۵۴۴.۷	۱۸۸.۲	۷۳۷.۶۹	۸۲۱.۴	۳۹۸.۱	۷۳۷.۶۹	۸۲۱.۴	۳۹۸.۱	غرض ورزی در روش برون دادگاهی	۷
۵۸۸.۷۲	۳۰۶.۶	۸۲۹.۱	۸۱۴.۷۳	۰۷۷.۴	۱۸۲.۱	۸۱۴.۷۳	۰۷۷.۴	۱۸۲.۱	داشتن شناخت کافی از طرفین در روش برون دادگاهی	۸
۵۰۹.۷۷	۹۲۱.۴	۴۲۷.۱	۵۰۹.۷۷	۶۹۵.۳	۰۷۱.۱	۵۰۹.۷۷	۶۹۵.۳	۰۷۱.۱	حجم زیاد پرونده‌های قضایی در دادگاه‌ها	۹
						۸۰۹.۸۰	۳۰۰.۲	۹۵۷.۰		۱۰
						۷۹۶.۸۳	۹۸۸.۲	۸۶۶.۰		۱۱
						۳۳۴.۸۶	۵۲۸.۲	۷۳۳.۰		۱۲
						۴۴۷.۸۸	۱۲۳.۲	۶۱۶.۰		۱۳
						۴۴۳.۹۰	۹۹۶.۱	۵۷۹.۰		۱۴
						۸۶۵.۹۱	۴۲۳.۱	۴۱۳.۰		۱۵
						۳۲۵.۹۳	۳۶۰.۱	۳۹۴.۰		۱۶
						۴۰۴.۹۴	۱۷۹.۱	۳۴۲.۰		۱۷
						۵۰۰.۹۵	۰۹۶.۱	۳۱۸.۰		۱۸
						۴۸۰.۹۶	۹۸۰.۰	۲۸۴.۰		۱۹
						۲۲۱.۹۷	۷۴۱.۰	۲۱۵.۰		۲۰
						۹۱۹.۹۷	۶۹۸.۰	۲۰۳.۰		۲۱
						۴۶۹.۹۸	۵۴۹.۰	۱۵۹.۰		۲۲
						۹۴۷.۹۸	۴۷۹.۰	۱۳۹.۰		۲۳
						۳۶۵.۹۹	۴۱۹.۰	۱۲۱.۰		۲۴
						۶۳۴.۹۹	۲۶۸.۰	۰۷۸.۰		۲۵

					۷۷۸.۹۹	۱۴۴.۰	۰.۴۲.۰		۲۶
					۹۰۵.۹۹	۱۲۷.۰	۰.۳۷.۰		۲۷
					۹۶۹.۹۹	۰.۶۴.۰	۰.۱۹.۰		۲۸
					۰۰۰.۱۰۰	۰.۳۱.۰	۰.۰۹.۰		۲۹

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۲

جدول (۳) آماره‌های مربوط به اجزا یا عامل‌های استخراج شده را نشان می‌دهد. سه ستون اول جدول مربوط به مقادیر ویژه ماتریس همبستگی است و عامل‌هایی را که در آنالیز باقی می‌ماند، تعیین می‌کند. بنابراین عامل‌ها از ردیف ۱۰ به بعد، به دلیل مقدار ویژه کمتر از یک، از آنالیز خارج شده‌اند. بلوک دوم سه ستونی، مجموع ضرایب فاکتور چرخش نشده است، و نهایتاً بلوک سوم چرخش واریماکس است که واریانس را میان فاکتورها یکنواخت می‌کند. بنابراین تحلیل عاملی ۲۹ عامل مؤثر در روش‌های حل و فصل دعاوی برون دادگاهی و درون دادگاهی بررسی و در ۹ عامل طبقه‌بندی شده و این تعداد ۷۷/۵۰ درصد از واریانس را تبیین نموده است. عامل ۹ به بعد به دلیل اهمیت کم آنها از جدول ۳ حذف شده‌اند.



شکل ۷: نتایج تحلیل آزمون نمودار اسکری گراف برای تعیین تعداد عوامل مؤثر در بررسی وضعیت روش‌های حل و فصل دعاوی در روستاهای منطقه سیستان

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۲

شکل شماره هفت، (شکل سنگریزه‌ای) مقدار ویژه در هر یک از عامل‌های استخراج شده را نشان می‌دهد. چنانکه ملاحظه می‌شود از عامل نهم به بعد مقدار ویژه با استخراج عامل‌های بعدی به سرعت افت می‌کند.

نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده به روشنی بیانگر این موضوع است که مسأله الگوهای حل و فصل دعاوی به خصوص دعاوی برون دادگاهی از طریق مسالمت آمیز و مبتنی بر سازش از جمله موضوعات مهم است و از طرفی حل و فصل دعاوی به شیوه غیرقضایی و باصطلاح «قضادایی» موضوعی است که ضرورت‌های حقوقی امروزی و اصول حقوقی بر آن تاکید می‌کند زیرا حل اختلافات به شیوه مزبور موجب کاهش ورودی پرونده‌ها به دادگستری و ایجاد فراغت بال برای قضاوت محاکم و تقلیل زمان دادرسی‌ها و موجب دقت همراه با سرعت و احقاق حق و عدل می‌شود. در نتیجه از دیدگاه روستاییان و با توجه به توزیع پرسشنامه روش‌های حل و فصل دعاوی برون دادگاهی کارآمدتر از روش‌های درون دادگاهی است و هر چه فاصله روستا از شهر زیاد کم باشد میزان مراجعه مردم به دادگاه و شوراهای حل اختلاف در شهرها بیشتر است. در واقع روستاهایی که در فاصله بالاتر از ۲۵ کیلومتری از شهرها قرار دارند، با توجه به بعد مسافت، تمایل به روش برون دادگاهی نیز بیشتر دارند. یکی از اساسی‌ترین آسیب‌های اجتماعی در مناطق روستایی، نادیده گرفتن مرجعیت نیروها و گروه‌های اجتماعی و توانمندی اجتماعی ریش سفیدان و بزرگان هر منطقه است. ریش سفیدان و معتمدین در ایجاد همدلی و انسجام در جامعه تأثیرگذار هستند. جوامع سالم و پایدار مدیون تجربه و هدایت معتمدین هر منطقه می‌باشند. بزرگان و ریش سفیدان محلی در برقراری امنیت، توسعه و عمران منطقه نقش مؤثری دارند. اجرای عدالت در زمینه حل و فصل دعاوی و اختلافات و منازعات در هر دو زمینه مدنی و کیفری به شکل روش‌های برون دادگاهی همواره وجود داشته است. مردم به این شیوه بیش از روش‌های درون دادگاهی که با متمرکز شدن و فزونی قدرت دولت‌ها در ایران توسعه پیدا کرد، خو گرفته‌اند. هم‌زمانی نهادها و مراجع غیر رسمی با طرفین دعوا، نبود تشریفات خسته کننده و گاه گول زننده، ابتدای آن بر منابعی که مردم با آنها آشناتر اند به ویژه شرع، عرف و عادت، توسل به واکنش‌های اجتماعی و اخلاقی پذیرفته شده نزد آنان، قابل پیش بینی بودن فرایند داوری، میانجی‌گری و صلح و سازش برون دادگاهی، آشنایی مراجع مداخله کننده با طرفین دعوا و متن و

حاشیه اختلاف در بیش تر موارد، بی هزینه یا کم هزینه بودن رسیدگی برون دادگاهی و از همه مهم تر ریشه داری آن در سنت های اجتماعی و تاریخی این مرز بوم ویژگی هایی اند که می توانند بازگشت به این شیوه اجرای عدالت را در بسیاری از اختلافات کیفری و مدنی با اقبال مواجه نماید.

پیشنهادها

- تربیت نیروی انسانی لازم و استفاده از بزرگان و ریش سفیدان و معتمدان واقعی مردم در روش برون دادگاهی.
- حفظ و تقویت شوراهای حل اختلاف و سامان دادن به امور آنها منطبق با مبانی دینی و موازین حقوقی و خواست مردم و به مصلحت جامعه.
- کمک به ترویج فرهنگ اعتماد به نفس و خودباوری در میان مردم روستا.
- افزایش تعامل و گرایش مثبت در بین روستائیان نسبت به یکدیگر از طریق حفظ و تقویت مناسک و شعائر جمعی مذهبی و سنتی که میزان تعامل و تعاون اجتماعی را بالا می برد.
- توجه به فرایندهای اعتمادسازی در سطوح بین فردی و نهادی که می تواند تقویت کننده انسجام اجتماعی باشد.
- توسعه پایگاه های مردمی حل اختلاف برای کاهش مراجعه به دادگاه، باعث انسجام بیشتر جامعه و کاهش بار دادگاهها می شود.
- کاهش اختلاف روستائیان بر سر مالکیت زمین از طریق صدور سند معتبر برای اراضی.
- بازشناسی و تقویت گروه های سنتی موجود در روستاها و تشریح فعالی های این گروه ها برای نسل جدید که در جلوگیری از گسست ها و حفظ انسجام اجتماعی می تواند تأثیرگذار باشد.

منابع

- آهنجیده، اسفندیار (۱۳۷۴). ایل بختیاری و مشروطیت. اراک: انتشارات ذره بین، چاپ اول.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۰). جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران. انتشارات اطلاعات، چاپ سوم.
- افشار، فرشید (۱۳۴۷). دادرسی روستایی در ایران (خانه های انصاف) و بررسی تطبیقی با دادرسی روستایی در هند. پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- جمعیت خوش نشینان ایران (۱۳۵۴). گزارش مقدماتی موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی. بخش تحقیقات روستایی.
- جیلانی، حسین (۱۳۶۲). خانه انصاف و تأثیر اجتماعی آن، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، تهران، دانشگاه تهران.
- حسینی، سید محمد (۱۳۷۸). « نقش میانجیگری در فصل دعاوی و پاسخ به نقض هنجارها ». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۵.
- حکمت نیا، حسن و موسوی، میرنجف (۱۳۸۵). کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه ای. تهران: انتشارات علم نوین، ص ۳۲۰.
- راوندی، مرتضی (۱۳۶۸). سیر قانون و دادگستری در ایران. چاپ اول، انتشارات چشمه، تهران.
- رکن الدین افتخاری، عبدالرضا؛ پورطاهری، مهدی و صفری مرکید، عبدالله (۱۳۸۸). ارزیابی نقش شوراهای حل اختلاف روستایی در امنیت قضایی روستاییان، نمونه مورد مطالعه: روستاهای شهرستان مرند. مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، پاییز و زمستان، ص ۱۱۸-۹۳.
- رکن الدین افتخاری، عبدالرضا؛ پورطاهری، مهدی و فرخی سیس، سعیده (۱۳۹۲). تحلیل عملکرد شوراهای حل اختلاف در تعالی مدیریت توسعه روستایی، مطالعه موردی: روستاهای شهرستان شبستر. فصلنامه ژئوپلیتیک، بهار، ص ۱۸۴-۱۶۶.
- زرنگ، محمد (۱۳۸۱). تحول نظام قضایی ایران. جلد اول، انتشارات مرکز اسناد

انقلاب اسلامی.

- سالاری سردری، فضلعلی و کیانی، اکبر (۱۳۸۸). بررسی تاثیر اقلیم در پایداری محیط فیزیکی - کالبدی شهر زابل. همایش جغرافیا و توسعه پایدار شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان.

- سعیدی، عباس (۱۳۸۲). روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی - شهری (یک بررسی ادراکی). فصلنامه جغرافیا، شماره ۱، تاریخ چاپ، ۱۳۸۴، ص ۹۱-۷۱.

- سهرابی، علی و شیرزادی گیلانی. هاید (۱۳۸۶). نتایج مطالعات مدیریت پسماند منطقه سیستان (شهری و روستایی). مدیریت پسماند، بهار ۱۳۸۰.

- شاریه، ژان برنار (۱۳۷۳). شهرها و روستاها. ترجمه سیروس سهامی. مشهد: نشر نیکا.

- شهری، غلامرضا و حسین آبادی، امیر (۱۳۵۸). مجموعه نظرهای مشورتی. اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران در مسائل مدنی، انتشارات روزنامه رسمی کشور.

- شمس، عبدالله (۱۳۹۰). آیین دادرسی مدنی. چاپ نخست، دوره بنیادین، انتشارات دراک، تهران، جلد دوم.

- صادقی، محمد هادی (۱۳۸۴). «قضازدایی در حقوق جزای اسلامی». الهیات و حقوق مجله دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۵ و ۱۶.

- منشی زاده، گشواد (۱۳۷۷). مراجع حل اختلاف (مجموعه متون آموزشی). انتشارات موسسه کار و تامین اجتماعی، تهران، شماره ۱۸.

- محمودی جانکی، فیروز (۱۳۸۷). رسمی سازی عدالت غیررسمی در ایران با تأکید بر زمینه های تاریخی - اجتماعی شکل گیری خانه ی انصاف و شورای داوری.

نشریه حقوق دادگستری، بهار و تابستان، شماره ۶۲-۶۳.

- نوابخش، مهرداد؛ نظری، جواد و ایدر، نبی الله (۱۳۸۸). تبیین جامعه شناختی عوامل مؤثر بر انسجام اجتماعی در بین روستاییان مطالعه موردی استان ایلام.

فصلنامه علوم اجتماعی، سال سوم، پیش شماره هفتم، زمستان ۱۳۸۸، صص ۲۰-۱.

- Berger, K. P, (2002). Private Dispute Resolution: Negotiation Mediation Arbitration, Vol. 2.
- Hess, Berkhard, (2005). "Mediation et Contentieux de la Consommation" Mediation et Arbitrage: Alternative Dispute Reolution, Loic Cadiet et Thomas Clay et Emmanuel Jeuland (ed), Paris.
- Houtte, H. V, (2002). The Law of International Trade, 2 Edition, London.
- James, Paul, (1997). The Divorce Mediation Handbook, San Francisco, Jossey – Bass.
- Kovach, K. K, (2005). "Mediation" The Handbook of Dispute Resolution, Michael L. Moffitt and Robert C. Bordon (Editors), Jossey – Bass.
- Marriott, Arthur, (2003). "ADR in Civil and Commercial Disputes" Bernstein' s Handbook of Arbitration and Dispute Resolution Practice, John Tackaberry and Arthur Marriott (Editors), Vol. 1, London, Sweet and Maxwell.
- Mistelis, L. A, (2001). "ADR in England and Wales" the American Review of International Arbitration, Vol. 12.
- Motiwal, O. P, (1998). "Alternative Dispute Resolution in India" Journal of International Arbitration, Vol. 15, No. 2.
- Stychin, Ch. F, (1999). Legal Method: Text and Materials, London, Sweet & Maxwell.
- G-Tarzia, Giuseppe, (2005). "Mediation et Institution Judiciaries" Mediation et Arbitrage, Loic Cadiet et Tomas Clay et Emannuel Jeuland, paris.
- Timsit, Jean, (2003). "Mediation: an Alternative to Judgment, not an Alternative Judgment" , Arbitration: the journal of the Chartered Institute of Arbitrators, Vol. 69. No. 3.
- Tweeddale, Andrea and Tweeddale, Keren, (2005). Arbitration of Commercial Disputes: International and English Law and Pracitce, New York Oxford University Press.



پښتونستان ګاونډي علوم او مطالعات فرېنډي
پرتال جامع علوم انساني